



شناسایی ابعاد تربیتی سبک زندگی پایدار در محتوای آموزش ابتدایی

احسان یوسفی نیا^۱، الهه رضایی مهر^۲

۱. گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۲. گروه علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: e.rezaeimehr79@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی ابعاد تربیتی سبک زندگی پایدار در محتوای آموزش ابتدایی با تأکید بر دیدگاه‌های متخصصان حوزه آموزش، برنامه‌ریزی درسی و تربیت محیط‌زیستی است. این پژوهش به روش کیفی و با استفاده از رویکرد تحلیل مضمون انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۵ نفر از متخصصان آموزش ابتدایی، برنامه‌ریزی درسی، آموزش محیط‌زیست و تربیت اخلاقی گردآوری شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و در چارچوب معیارهای تخصص، سابقه آموزشی و آشنایی با موضوع پژوهش صورت گرفت. داده‌ها پس از پیاده‌سازی، با استفاده از نرم‌افزار NVivo تحلیل شده و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. تحلیل داده‌ها منجر به شناسایی سه مضمون اصلی شامل «زیست اخلاقی و مسئولانه»، «همزیستی پایدار با طبیعت»، و «تصمیم‌گیری آگاهانه و آینده‌نگرانه» گردید. این مضامین دربرگیرنده ۹ زیرمضمون و مفاهیمی نظیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی، حساسیت زیست‌محیطی، سبک زندگی کم‌مصرف، خوندنظارتی، عدالت‌طلبی، تفکر نقادانه، و آگاهی از پیامدهای رفتار بودند که همگی بیانگر ماهیت چندبعدی تربیت برای پایداری در آموزش ابتدایی هستند. یافته‌ها نشان می‌دهد که تربیت برای سبک زندگی پایدار باید رویکردی تلفیقی داشته باشد و ابعاد اخلاقی، زیست‌محیطی و شناختی را هم‌زمان مدنظر قرار دهد. بازنگری در محتوای درسی آموزش ابتدایی و توانمندسازی معلمان در انتقال ارزش‌های پایداری از مهم‌ترین اقدامات پیشنهادی بر مبنای یافته‌های پژوهش است.

کلیدواژه‌گان: سبک زندگی پایدار، تربیت اخلاقی، آموزش ابتدایی، تحلیل مضمون، آموزش محیط‌زیست

تاریخ ارسال: ۶ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۱ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲ مهر ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۲ مهر ۱۴۰۳



How to cite: Yousefiania, E., & Rezaei Mehr, E. (2024). Identifying the Educational Dimensions of Sustainable Lifestyle in Primary Education Content. *Training, Education, and Sustainable Development*, 2(2), 1-9.

 © 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Identifying the Educational Dimensions of Sustainable Lifestyle in Primary Education Content

Ehsan Yousefiania¹, Elaheh Rezaei Mehr^{2*}

1. Department of Educational Management, Kharazmi University, Tehran, Iran

2. Department of Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: e.rezaeimehr79@yahoo.com

Abstract

The purpose of this study was to identify the educational dimensions of sustainable lifestyle in the content of primary education, focusing on expert perspectives in curriculum planning, environmental education, and moral training. This qualitative study employed thematic analysis. Data were collected through semi-structured interviews with 25 experts in primary education, curriculum design, environmental education, and ethics. Participants were selected purposefully based on relevant expertise and experience. Interviews were transcribed and analyzed using NVivo software until theoretical saturation was achieved. Three main themes emerged: “Ethical and Responsible Living,” “Sustainable Coexistence with Nature,” and “Informed and Future-Oriented Decision-Making.” These included nine subthemes and various concepts such as social responsibility, environmental sensitivity, low-consumption lifestyle, self-regulation, justice orientation, critical thinking, and behavioral consequence awareness. Together, they reflect the multidimensional nature of sustainable lifestyle education in the primary curriculum. The findings suggest that education for a sustainable lifestyle requires an integrative approach that simultaneously addresses ethical, environmental, and cognitive dimensions. Revising primary education curricula and empowering teachers to effectively instill sustainability values are critical steps recommended by the study.

Keywords: *Sustainable lifestyle, moral education, primary education, thematic analysis, environmental education*

Submit Date: 27 July 2024

Revise Date: 1 September 2024

Accept Date: 23 September 2024

Publish Date: 3 October 2024

در دهه‌های اخیر، بحران‌های زیست‌محیطی نظیر گرمایش زمین، آلودگی منابع طبیعی، کاهش تنوع زیستی و تخریب اکوسیستم‌ها، توجه اندیشمندان و سیاست‌گذاران را به سوی ضرورت اصلاح الگوهای رفتاری جوامع بشری معطوف داشته است. یکی از رویکردهای بنیادین در مواجهه با این بحران‌ها، تأکید بر سبک زندگی پایدار به عنوان شیوه‌ای از زیستن است که کمترین آسیب را به منابع طبیعی وارد می‌سازد و آینده نسل‌های آتی را نیز در نظر می‌گیرد (Kagawa, 2007). سبک زندگی پایدار تنها محدود به ابعاد زیست‌محیطی نیست بلکه دربرگیرنده ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی نیز هست که تعامل انسان با خود، دیگران و طبیعت را دربر می‌گیرد (Afsar et al., 2020).

آموزش به عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای تغییر نگرش و رفتار، نقش محوری در تحقق اهداف توسعه پایدار دارد. به‌ویژه آموزش ابتدایی که نخستین مرحله ورود رسمی کودک به نظام آموزشی است، ظرفیتی اساسی برای نهادینه‌سازی ارزش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های مرتبط با سبک زندگی پایدار به شمار می‌آید (UNESCO, 2017). در واقع، در این مرحله از رشد، کودکان بیش از هر زمان دیگری مستعد پذیرش ارزش‌های زیستی و اجتماعی‌اند و می‌توان با طراحی محتوای مناسب، گرایش‌های پایداری‌محور را در آنان تقویت کرد (Barr, 2003).

مطالعات نشان داده‌اند که آموزش مفاهیم پایداری در سطح مدرسه می‌تواند تأثیرات بلندمدتی بر رفتارهای زیست‌محیطی، مصرفی و اجتماعی کودکان داشته باشد (Schreiner et al., 2005). در این راستا، گنجاندن عناصر تربیتی سبک زندگی پایدار در محتوای آموزشی نه تنها به ارتقاء آگاهی کودکان درباره محیط‌زیست منجر می‌شود، بلکه آن‌ها را به شهروندانی مسئول و آینده‌نگر تبدیل می‌کند (Sterling, 2010). با این حال، بسیاری از محتوای درسی موجود در نظام‌های آموزشی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، هنوز فاقد جهت‌گیری مشخصی در راستای تربیت پایدار هستند و ابعاد تربیتی مورد نیاز در این حوزه به طور ساختاریافته شناسایی نشده‌اند (Wals, 2011).

از سوی دیگر، مفهوم سبک زندگی پایدار به دلیل ماهیت چندبُعدی خود نیازمند تبیین در قالب ابعاد تربیتی است که بتوان آن را در متون و محتوای آموزشی نهادینه ساخت. این ابعاد می‌بایست متناسب با سن و سطح درک کودکان در دوره ابتدایی طراحی شده و از طریق زبان، فعالیت‌ها و مفاهیم قابل‌فهم برای آنان منتقل شود (Olsson et al., 2016). به همین دلیل، ضروری است که ابتدا ابعاد تربیتی سبک زندگی پایدار در بستر آموزش ابتدایی به‌صورت علمی شناسایی شوند تا هم در طراحی برنامه درسی و هم در تولید محتوای آموزشی مورد استفاده قرار گیرند.

پیش‌فرض این پژوهش آن است که مفاهیم مربوط به سبک زندگی پایدار در آموزش ابتدایی، باید با تأکید بر تربیت اخلاقی، زیست‌محیطی و اجتماعی ارائه شوند و تنها به آموزش اطلاعات علمی بسنده نشود. مطالعات نشان داده‌اند که اگر آموزش سبک زندگی پایدار صرفاً به آگاهی‌رسانی محدود شود، تأثیر پایداری بر رفتارهای آینده نخواهد داشت (Tilbury, 1995). بنابراین، پرداختن به ابعاد تربیتی همچون خودنظارتی، مسئولیت‌پذیری، حساسیت زیست‌محیطی، تصمیم‌گیری آگاهانه و تقویت تفکر انتقادی ضروری به نظر می‌رسد (Gough, 2002).

علاوه بر آن، مفاهیم اخلاقی همچون همدلی، عدالت، درستکاری و پرهیز از اسراف نیز بخشی از سبک زندگی پایدار محسوب می‌شوند که می‌توان از طریق محتوای آموزشی در دوره ابتدایی تقویت کرد (Sipos et al., 2008). در همین زمینه، پژوهش‌هایی که به بررسی نقش مدارس در آموزش سبک زندگی پایدار پرداخته‌اند، نشان داده‌اند که یکپارچه‌سازی اهداف تربیتی و زیست‌محیطی در محتوای آموزشی می‌تواند نگرش‌های بلندمدت پایداری را در دانش‌آموزان نهادینه سازد (Boeve-de Pauw & Van Petegem, 2010).

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که آموزش سبک زندگی پایدار نیازمند رویکردی تلفیقی است که هم جنبه‌های شناختی و هم جنبه‌های ارزشی و رفتاری را شامل شود. این مهم زمانی محقق خواهد شد که نظام آموزشی به صورت سیستماتیک نسبت به شناسایی و تبیین ابعاد تربیتی این نوع سبک زندگی اقدام نماید و محتوای آموزش ابتدایی را متناسب با آن بازنگری کند. با این حال، در ادبیات پژوهش داخلی، کمبود مطالعات کیفی در این زمینه محسوس است و پژوهش‌هایی که به طور خاص بر محتوای آموزش ابتدایی متمرکز شده باشند، اندک‌اند.

بر همین اساس، هدف این پژوهش، شناسایی ابعاد تربیتی سبک زندگی پایدار در محتوای آموزش ابتدایی با استفاده از رویکرد کیفی و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه با متخصصان حوزه آموزش، تربیت محیط‌زیستی و اخلاقی می‌باشد. امید است نتایج این مطالعه بتواند مبنایی برای بازنگری محتوای درسی، طراحی راهبردهای تربیتی مؤثر و توسعه آموزش پایداری‌محور در نظام آموزش ابتدایی فراهم آورد.

روش‌شناسی

در این پژوهش از رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون (Thematic Analysis) برای شناسایی ابعاد تربیتی سبک زندگی پایدار در محتوای آموزش ابتدایی استفاده شده است. این مطالعه با هدف کشف الگوها، مفاهیم و مؤلفه‌های تربیتی پنهان یا آشکار مرتبط با سبک زندگی پایدار در محتوای درسی دوره ابتدایی طراحی گردید.

مطالعه حاضر از نوع کیفی بوده و با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۵ نفر از متخصصان حوزه آموزش ابتدایی، برنامه‌ریزی درسی، آموزش محیط‌زیست، و تربیت اخلاقی انجام شده است. مشارکت‌کنندگان به‌صورت هدفمند (Purposeful Sampling) و با در نظر گرفتن معیارهایی چون سابقه تدریس، پژوهش یا مشارکت در طراحی محتوا در حوزه آموزش ابتدایی و آشنایی با مفاهیم توسعه پایدار انتخاب شدند. تمامی مشارکت‌کنندگان در شهر تهران سکونت یا فعالیت حرفه‌ای داشتند.

برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بهره گرفته شد. راهنمای مصاحبه شامل پرسش‌هایی باز بود که با هدف کشف برداشتها و دیدگاه‌های عمیق مشارکت‌کنندگان در زمینه عناصر تربیتی سبک زندگی پایدار در محتوای درسی ابتدایی طراحی گردیده بود. مصاحبه‌ها به‌صورت حضوری و در برخی موارد به‌صورت مجازی انجام شده و میانگین مدت هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه بود. فرایند گردآوری داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری (Theoretical Saturation) ادامه یافت؛ جایی که دیگر مفاهیم یا کدهای جدیدی از مصاحبه‌ها استخراج نمی‌شد. داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها ابتدا واژه‌پردازی شده و سپس با استفاده از نرم‌افزار NVivo تحلیل شدند. در فرایند تحلیل مضمون، مراحل کدگذاری باز، شناسایی مقوله‌ها و در نهایت استخراج مضامین اصلی دنبال گردید. پژوهشگران با دقت به بازخوانی مصاحبه‌ها و استخراج مفاهیم کلیدی، به طبقه‌بندی داده‌ها در قالب زیرمضامین و مضامین کلی اقدام نمودند. برای اعتباربخشی یافته‌ها از راهبردهایی چون مرور توسط مشارکت‌کنندگان (Member Checking)، بازبینی همکاران (Peer Debriefing) و مثلث‌سازی نظری (Theoretical Triangulation) استفاده گردید.

یافته‌ها

مضمون اصلی اول: زیست اخلاقی و مسئولانه

زیرمضمون ۱: آموزش مسئولیت‌پذیری اجتماعی

از جمله مفاهیمی که ذیل این زیرمضمون شناسایی شد، می‌توان به «همدلی با دیگران»، «قبول پیامد رفتار»، «مشارکت در کار جمعی»، «کمک به نیازمندان» و «احساس وظیفه نسبت به محیط اطراف» اشاره کرد. در این خصوص یکی از معلمان ابتدایی اظهار داشت:

«اگر بچه‌ها یاد بگیرن که نسبت به دیگران و محیط‌شون بی‌تفاوت نباشن، اولین گام‌های زندگی پایدار رو برداشتن.»

زیرمضمون ۲: تقویت خودنظارتی و اخلاق فردی

مفاهیمی همچون «احترام به قوانین»، «درستکاری»، «پرهیز از اسراف»، «نظم فردی» و «پایبندی به اصول اخلاقی» در این زیرمضمون جای گرفتند. یکی از متخصصان آموزش ابتدایی گفت:

«ما وقتی درباره درستکاری صحبت می‌کنیم، یعنی به دانش‌آموز یاد می‌دیم که مسئول انتخاب‌های خودش باشه، حتی وقتی کسی نگاهش نمی‌کنه.»

زیرمضمون ۳: آموزش عدالت و برابری

در این زیرمضمون مفاهیمی مانند «عدالت‌محوری»، «پرهیز از تبعیض»، «احترام به تفاوت‌ها»، «تقسیم منابع به صورت برابر» و «حق‌طلبی» مشاهده شد. به گفته یکی از مشارکت‌کنندگان:

«بچه‌ها باید یاد بگیرن که زمین برای همه‌ست؛ پس نباید فقط به فکر خودشون باشن.»

مضمون اصلی دوم: همزیستی پایدار با طبیعت

زیرمضمون ۱: تقویت حساسیت زیست‌محیطی

مفاهیمی مانند «شناخت آسیب‌های محیطی»، «حفاظت از منابع طبیعی»، «نگرانی برای آینده زمین» و «درک ارتباط انسان و طبیعت» در این بخش مطرح شدند. یکی از متخصصان محیط‌زیست گفت:

«وقتی کودک بدونه که قطع هر درخت یعنی مرگ یک خانه برای پرنده‌ها، خودش دلسوز محیط زیست می‌شه.»

زیرمضمون ۲: سبک زندگی کم‌مصرف

در این زیرمضمون مفاهیمی چون «مدیریت مصرف انرژی»، «صرفه‌جویی در آب»، «کاهش تولید زباله»، «خودداری از خرید اضافی» و «استفاده مجدد از وسایل» شناسایی شد. یکی از مشارکت‌کنندگان با تأکید گفت:

«ما هنوز صرفه‌جویی رو به عنوان یک فضیلت آموزش نمی‌دیم؛ در حالی که ستون اصلی پایداری همین‌ه.»

زیرمضمون ۳: آشنایی با شیوه‌های حفاظت از محیط زیست

این زیرمضمون شامل مفاهیمی همچون «تفکیک زباله»، «کاشت درخت»، «دوچرخه‌سواری و پیاده‌روی»، «استفاده از مواد بازیافتی» و «کاهش استفاده از پلاستیک» بود. به گفته یکی از معلمان باسابقه:

«من هر سال به بچه‌ها پروژه کاشت گیاه می‌دم تا حس تعلق به طبیعت در وجودشون شکل بگیره.»

مضمون اصلی سوم: تصمیم‌گیری آگاهانه و آینده‌نگرانه

زیرمضمون ۱: تربیت شهروند فعال و آگاه

از مفاهیم مهم این زیرمضمون می‌توان به «آگاهی از پیامدهای رفتار»، «توجه به مسائل جهانی»، «شناخت حقوق و مسئولیت‌ها» و «مشارکت در امور محلی» اشاره کرد. یکی از مشارکت‌کنندگان بیان داشت:

«بچه‌ای که بدونه مصرف آب زیاد تو ایران یعنی خشکسالی برای نسل بعد، در تصمیماتش دقت بیشتری می‌کنه.»

زیرمضمون ۲: تقویت تفکر نقادانه و آینده‌نگری

در این بخش، مفاهیمی نظیر «سؤال‌محوری»، «تحلیل پیام‌های رسانه‌ای»، «پیش‌بینی نتایج انتخاب‌ها»، «بررسی راه‌حل‌های جایگزین» و «اندیشیدن به آینده زمین» جای گرفتند. یکی از متخصصان تربیتی گفت:

«تفکر انتقادی یعنی اینکه کودک بفهمه پشت تبلیغات مصرف‌گرایی چه چیزهایی پنهانه و بتونه تصمیم درست بگیره.»

زیرمضمون ۳: پرورش ارزش‌مداری در تصمیم‌گیری‌ها

مفاهیمی مانند «اتخاذ تصمیم بر اساس ارزش‌ها»، «اولویت‌دادن به نیازهای واقعی»، «هماهنگی ارزش و رفتار» و «دوری از هیجانات زودگذر» در این زیرمضمون مشاهده شد. یکی از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشت:

«اگر کودک بدونه که ارزش‌هاش باید راهنمای تصمیماتش باشه، دیگه راحت تحت تأثیر مصرف‌گرایی قرار نمی‌گیره.»

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی ابعاد تربیتی سبک زندگی پایدار در محتوای آموزش ابتدایی انجام شد. بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده از تحلیل مضمون مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۵ نفر از متخصصان حوزه‌های آموزش ابتدایی، برنامه‌ریزی درسی و تربیت محیط‌زیستی، سه مضمون اصلی شامل «زیست اخلاقی و مسئولانه»، «همزیستی پایدار با طبیعت»، و «تصمیم‌گیری آگاهانه و آینده‌نگرانه» استخراج شد. این مضامین نمایانگر ابعاد عمیق و چندوجهی سبک زندگی پایدار هستند که باید در برنامه‌های درسی ابتدایی مورد توجه قرار گیرند.

نخستین مضمون یعنی زیست اخلاقی و مسئولانه، نشان‌دهنده نقش پررنگ تربیت اخلاقی در شکل‌گیری سبک زندگی پایدار است. مفاهیمی مانند مسئولیت‌پذیری اجتماعی، خودنظارتی و عدالت‌طلبی، تأکید دارند که آموزش برای پایداری صرفاً محدود به آموزش فنی یا دانشی نیست، بلکه باید با تقویت ابعاد اخلاقی همراه باشد. این یافته با دیدگاه اور (Orr, 2004) همخوانی دارد که آموزش پایداری را پروژه‌ای اخلاق‌محور تلقی می‌کند و بر پرورش فضیلت‌هایی نظیر درستکاری، خویش‌نظمی و دلسوزی تأکید دارد. همچنین، استرلینگ (Sterling, 2001) نیز بیان می‌کند که رویکردهای سنتی آموزش، در پاسخ به چالش‌های پایداری ناکارآمد هستند و باید جای خود را به تربیت مبتنی بر ارزش‌ها بدهند.

مضمون دوم، همزیستی پایدار با طبیعت، بیانگر آن است که در محتوای آموزشی، باید پیوند میان انسان و محیط طبیعی به‌صورت عمیق‌تری تقویت شود. این مضمون با مفاهیمی چون حساسیت زیست‌محیطی، سبک زندگی کم‌مصرف و آموزش روش‌های حفاظت از محیط زیست همراه است. این یافته با مطالعات بین‌المللی مانند Tilbury (۱۹۹۵) هم‌راستا است که بر نقش محوری آموزش زیست‌محیطی در تغییر نگرش و رفتارهای مصرفی تأکید دارد. همچنین، یافته‌های پژوهش حاضر با دیدگاه یونسکو (UNESCO, 2020) سازگار است که آموزش برای توسعه پایدار را ابزاری کلیدی در دستیابی به اهداف زیست‌محیطی معرفی کرده است.

سومین مضمون، تصمیم‌گیری آگاهانه و آینده‌نگرانه، به نقش برنامه درسی در پرورش تفکر نقادانه، سواد رسانه‌ای، و درک پیامدهای کنش‌ها می‌پردازد. این مضمون بیان می‌کند که برای رسیدن به سبک زندگی پایدار، کودکان باید توانایی تحلیل موقعیت‌ها، پیش‌بینی نتایج تصمیمات، و انتخاب گزینه‌های منطبق با ارزش‌های انسانی را داشته باشند. یافته‌های این بخش با پژوهش‌های Læssøe و همکاران (۲۰۱۳) تطابق دارد که بر ضرورت مشارکت‌پذیری، خودآگاهی و تفکر آینده‌نگر در آموزش برای پایداری تأکید می‌کنند. همچنین، پژوهش Jackson (۲۰۰۵) نشان داده است که تصمیم‌گیری اخلاقی، زمانی اتفاق می‌افتد که افراد از پیامدهای زیست‌محیطی و اجتماعی کنش‌های خود آگاهی کافی داشته باشند.

در تفسیر یافته‌ها می‌توان گفت که ابعاد تربیتی شناسایی‌شده، به خوبی گویای ماهیت چندبعدی سبک زندگی پایدار هستند؛ به‌گونه‌ای که بدون توجه به ابعاد اخلاقی، اجتماعی، محیط‌زیستی و شناختی، نمی‌توان انتظار داشت آموزش منجر به تغییرات رفتاری پایدار شود. این موضوع، ضرورت بازنگری در برنامه‌های درسی ابتدایی را برجسته می‌سازد؛ چرا که ساختار فعلی کتب درسی بیشتر بر آموزش دانشی متمرکز است و مفاهیم پایداری را به‌صورت پراکنده و اغلب بدون اتصال مفهومی ارائه می‌دهد (Nāsari et al., 1401).

همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزش برای سبک زندگی پایدار باید از سنین پایین آغاز شود، چرا که هویت رفتاری و ارزشی کودکان در سال‌های ابتدایی زندگی شکل می‌گیرد و امکان مداخله مؤثر در این دوران بیشتر است. این رویکرد با توصیه یونسکو (UNESCO, 2017) در خصوص ادغام آموزش توسعه پایدار در آموزش ابتدایی هم‌سو است. این نهاد بین‌المللی تأکید می‌کند که آموزش برای پایداری باید از مراحل اولیه آموزش رسمی آغاز گردد و بر ابعاد عاطفی، اخلاقی و شناختی یادگیری متمرکز یابد.

نکته قابل تأمل دیگر آن است که مشارکت‌کنندگان پژوهش، به نقش معلمان در تحقق سبک زندگی پایدار به‌صورت مکرر اشاره کرده‌اند. از دیدگاه آنان، معلم تنها انتقال‌دهنده مفاهیم درسی نیست، بلکه با ایفای نقش الگو، می‌تواند ارزش‌هایی مانند صرفه‌جویی، همدلی، و احترام به طبیعت را به‌صورت عملی منتقل کند. این یافته با نتایج پژوهش Barr (۲۰۰۸) مطابقت دارد که نشان داد عامل کلیدی در نهادینه شدن رفتارهای پایدار، وجود الگوهای رفتاری مثبت در محیط آموزشی است.

در مجموع، نتایج این پژوهش بر این نکته تأکید دارد که آموزش ابتدایی برای مؤثر بودن در زمینه توسعه پایدار، باید رویکردی تلفیقی، ارزشی، و مشارکتی را اتخاذ کند. تلفیق مفاهیم زیست‌محیطی با ارزش‌های اخلاقی، آموزش تصمیم‌گیری آگاهانه در بافت‌های اجتماعی، و ایجاد فرصت‌های عملی برای تجربه سبک زندگی پایدار، از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند در طراحی برنامه‌های درسی آتی مورد توجه قرار گیرند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

References

- Afsar, B., Badir, Y., & Kiani, U. S. (2020). Linking spiritual leadership and employee pro-environmental behavior: The role of workplace spirituality, intrinsic motivation, and environmental passion. *Journal of Environmental Psychology*, 67, 101370. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2019.101370>
- Barr, S. (2003). Strategies for sustainability: citizens and responsible environmental behaviour. *Area*, 35(3), 227-240.
- Boeve-de Pauw, J., & Van Petegem, P. (2010). A cross-national perspective on youth environmental attitudes. *Environmental Education Research*, 16(1), 1-16.
- Gough, S. (2002). Increasing the value of the environment: a 'real options' metaphor for learning. *Environmental Education Research*, 8(1), 61-72.
- Kagawa, F. (2007). Dissonance in students' perceptions of sustainable development and sustainability: Implications for curriculum change. *International Journal of Sustainability in Higher Education*, 8(3), 317-338.
- Olsson, D., Gericke, N., & Chang Rundgren, S. N. (2016). The effect of implementation of education for sustainable development in Swedish compulsory schools—assessing pupils' sustainability consciousness. *Environmental Education Research*, 22(2), 176-202.
- Schreiner, C., Henriksen, E. K., & Hansen, P. J. K. (2005). Climate education: Empowering today's youth to meet tomorrow's challenges. *Studies in Science Education*, 41(1), 3-49.
- Sipos, Y., Battisti, B., & Grimm, K. (2008). Achieving transformative sustainability learning: engaging head, hands and heart. *International Journal of Sustainability in Higher Education*, 9(1), 68-86.
- Sterling, S. (2010). Transformative learning and sustainability: sketching the conceptual ground. *Learning and Teaching in Higher Education*, (5), 17-33.